

معتدل‌ها در مقابل تندروها به صف شدند

## ترمز اصولگرایی

**وحیده کریمی**؛ اصولگرایان اعتدالی یا قائل به عقلابت سیاسی در مناسبات حکمرانی در روزهای بحرانی کشور درحال کشیدن ترمز تندروهایی هستند که در چند سال اخیر نقش مهمی در ایجاد خشم اجتماعی داشته‌اند. خشمی که این روزها برای خاموش کردن آن نیاز به گفت‌وگو و فهم مشترکی است که تندروها از آن گریزان‌اند و با اظهارنظرهای نسنجیده بارها هیزم در آتش خشم افکار عمومی متعرض ریخته‌اند و همچنان به دنبال راهکار اعمال محدودیت هستند.
چهره‌ها و رسانه‌های تندرو بدون توجه به شرایط فعلی کشور و خواست افکار عمومی، بر طبل دوقطبی‌سازی می‌کوبند. حال اینکه در پس این رفتارهای غیرمعمول که مورد حمله همفکران‌شان هم قرار گرفته، چه نهفته است، هنوز مشخص نیست؛ اما حداقل بخش مهمی از اصولگرایان از نفوذی‌بودن تندروها دم می‌زنند و رسماً به اعلام برائت از این طیف پرسروصدا پرداخته‌اند. تا جایی‌که دیروز عزت‌الله ضرغامی، وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، با انتشار توییتی موضع خود را نسبت به عملکرد ستاد امر به معروف و نهی از منکر مشخص کرد که دو نکته مهم در خود داشت. او نوشته

«شرق» در گفت‌وگو با محمدجواد حق شناس بررسی کرد

# دعوت به گفت‌وگو و آرامش یک ارزش است



**عبدالرحمن فتح الهی**؛ در شرایطی که جامعه به واسطه اعتراضات چند هفته گذشته در التهاب و حساسیت بالایی به سر می‌برد و در کنار آن مواضع نسنجیده برخی مسئولان می‌تواند به دوقطبی‌ها و افزایش کسل کنونی با ملت بینجامد، به نظر می‌رسد تلاش برای ایجاد بست‌رهای گفت‌وگو در سطح ملی می‌تواند فضا را تا حدی مساعد کند و در ادامه به رفع چالش‌ها و بحران‌های کنونی منجر شود. اما با توجه به واقعیت‌های کنونی، زمینه ایجاد گفت‌وگو در کشور تا چه اندازه می‌باشد؟ این پرسشی است که «شرق» پاسخش را در گفت‌وگو با محمدجواد حق شناس، فعال سیاسی و رسانه‌ای، بی گرفته است که در ادامه می‌خوانید.

- ◆ این روزها بسه موازات اعتراضات مردمسی، مقامات از ضرورت گفت‌وگو سخن به میان آورده‌اند. اما با توجه به شرایط کنونی، اساسا مقوله گفت‌وگو تا چه اندازه می‌تواند راهگشا باشد؟**
اساسا گفت‌وگو-بیک نماد روشن و شاخص بازاری برای حکمرانی خوب و کارآمد است. یعنی یکی از مهم‌ترین نشانه‌های حکومت‌های خوب و دموکرات، پرداختن به مقوله گفت‌وگو است. البته ما با انواع مختلفی از گفت‌وگوهای سیاسی و اجتماعی مواجه هستیم که باید همه آنها را در «سید گفتمانی حکمرانی» مدنظر قرار دهیم. به باور من، در شرایط کنونی، اتفاقا گفت‌وگو باید به یک سنت، عادت و حتی یک راهبرد و استراتژی تبدیل شود.
- ◆ چگونه؟**
باید گفت‌وگو را به یکی از پایه‌های آموزشی برای شهروندان بدل کرد تا بتوانند با تسلط بر آداب گفت‌وگوی سیاسی و اجتماعی، با همدیگر و به‌خصوص با سیستم سیاسی و حکمرانی وارد تعامل و گفت‌مان شوند و از این طریق مسائل، مشکلات، چالش‌ها و بحران‌ها را مدیریت کرده و نسبت به حل و رفع آن اقدام کنند.
- ◆ مسئله صرفا به مردم ارتباط دارد؟**

خبر بخشی از آن به جامعه و مردم ارتباط دارد، اما بخش عمده آن به مسئولان بازمی‌گردد. کسانی که امروز در جایگاه تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی برای مردم نشسته‌اند، در کام نخست باید بتوانند فضا و زمینه را برای گفت‌وگو با مردم و جامعه فراهم کنند. این مسئله صرفا در ادعا نمی‌تواند پیش رود؛ باید هم ادعا و مواضع مسئولان در این خصوص، فضا را ایجاد کند و هم اینکه عملکرد آنها نشان دهد که تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان به دغدغه‌ها، مطالبات و درخواست‌های مردم توجه دارند و آنها را ملاک اقدام قرار می‌دهند. با این شرایط، بستر برای گفت‌وگو شکل می‌گیرد، وگرنه فقط اعلام آمادگی برای گفت‌وگو نمی‌تواند فضا را برای گفت‌وگو و گفت‌مان در جامعه فراهم کند؛ به‌خصوص در شرایط کنونی که ما شاهد یک کسل سیاسی-اجتماعی هستیم. از این‌رو صرف ادعا و موضع‌گیری درخصوص آمادگی برای گفت‌وگو نمی‌تواند فضا را برای این مقوله فراهم کند. متأسفانه عملکرد مسئولان در این سال‌ها به‌گونه‌ای بوده که اعتماد عمومی و به تبع آن فضا و بستر برای گفت‌وگو با مردم روز به روز کم‌رنگ‌تر و کم‌رکم‌تر شده است. طبیعتا تداوم و تشدید این وضعیت نمی‌تواند فضای لازم را برای گفت‌وگو فراهم کند. به همین دلیل، در این سال‌ها جامعه و قشر نوجوان و به‌خصوص دهه‌هشتادی‌ها، خیابان را برای مطرح‌کردن مطالبات خود انتخاب کرده‌اند. این نشان می‌دهد فضایی برای گفت‌وگو بین مردم با مسئولان وجود ندارد. همین دلیل گفت‌مان جامعه رویکردی رادیکال پیدا کرده است. بنابراین مسئولان باید زمان و هزینه بیشتری را برای ایجاد بستر

بود؛ «مدتی پیش درمورد ستاد امر به معروف توییتی زدم و مورد کله قرار گرفتم که چرا این نهاد مقدس را تضعیف می‌کنم؟ امروز که ظاهرا همه آن دوستان به همین نتیجه رسیده‌اند، می‌گم: «بابا چون مردم اگر نخوان امر به معروف بشنن باید کیو ببینم؟». یک نکته تایید پذیرش رفتار اشتباه ستاد امر به معروف در یک سال اخیر از سوی اصولگرایان است و دومین نکته ضرورت تغییر رفتار با مردم است که نیازی به هدایت‌های اجباری که تندروها تعریف می‌کنند، ندارند.در همین راستا نوریوز، رسانه نزدیک به دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی مدتی است با توییت‌ها و گزارش‌های خود رسماً به تفکیک مواضع سیاسی حاکمیت با تندروها پرداخته و خط مستقیم بازگشت عقابنت سیاسی به جبهه اصولگرایی را نه از جهت رفتار حزبی بلکه در راستای منافع ملی پی گرفته است. مطلب نوریوز به مواضع شورای امنیت ملی تعبیری می‌شود؛ از این جهت بسیار قابل تأمل و توجه است. چه زمانی که از حسن عباسی که سال‌هاست با زبان و ادبیات منحصر به خودش، اعلام برائت کرد و چه اکنون که از رائفی‌پور و صداوسیما و حتی مسئولانی که گذرنامه سلبریتی‌ها را توقیف کرده بودند، به تندی یاد



را بزنند و از طرف دیگر هرگونه اعتراض، انتقاد و مخالفت مردم توسط همین صداوسیما به معنای خشونت‌طلبی، اغتشاش و آشوب تعبیر می‌شود، نهایتا به جایی می‌رسیم که اکنون صداوسیما نزدیک محل اعتباری برای افکار عمومی، نخبگان سیاسی و احزاب دانشجویان برای بسترسازی در جهت گفت‌وگو استفاده کرد تا در نهایت زمینه گفت‌مان غالب در کل جامعه شکل بگیرد. در سطح دیگری از گفت‌وگو که ناظر بر گفت‌وگوها بین چهره‌های سیاسی، احزاب و جریانات کشور است، معمولا در جهان ساختارهایی برای گفت‌وگو طراحی و تعبیه شده است که یکی از این مراکز و ساختارها به پارلمان‌ها بازمی‌گردد. در مجالس و دیدگر نهادهای انتخابی، جریان‌ها و احزاب با رای مردم، عملکردی را از خود به نمایش می‌گذارند که می‌تواند پایه گفت‌وگوی سیاسی را فراهم کند. یعنی انتخاب مردم در نهایت به تصمیم احزاب و چهره‌های سیاسی در جهت حل‌وفصل مشکلات جامعه منجر خواهد شد.

این روند بستر را برای گفت‌وگو فراهم می‌کند.
**◆ این نکات شما برای فراهم‌کردن گفت‌وگوی میان‌نخبگانی یا میان‌حزبی تا چه اندازه در جامعه امکان تحقق دارد؟**
وقتی چهره‌های سیاسی و افراد دارای تحلیل و صاحب نگاه و نظر درگیر گرفتاری و موانع و آنسدادهای متعدد هستند، نمی‌توان به گفت‌وگو امیدوار بود. در کنار آن متأسفانه برخی نهادها و مراکز تمایلی برای ایجاد فضا و بستر در جهت گفت‌وگوی سیاسی-اجتماعی، چه در سطح میان‌نخبگانی یا گفت‌وگوی میان‌حزبی و از همه مهم‌تر گفت‌وگو بین ملت، مردم و افکار عمومی با حکمرانان ندارند.

- ◆ چه مراکزی؟**

یکی از مهم‌ترین مراکز به صداوسیما بازمی‌گردد که اصطلاحا عبارت رسانه ملی را به دوش می‌کشد، اما تنها منافع و نگاه طیف خاصی از جریان سیاسی در کشور را نمایندگی می‌کند و عمده مردم در عملکرد صداوسیما جایگاهی ندارند. به همین دلیل اکنون اعتماد عمومی و رضایت عمومی نسبت به برنامه‌ها و خروجی رسانه ملی به‌شدت کاهش پیدا کرده است. متأسفانه همین عملکرد سبب شده است مرجعیتی که باید به رسانه ملی و صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران داده می‌شد، اکنون جای خود را به رسانه‌های معاند داده است. یعنی بخشی از افکار عمومی و مردم اعتماد بیشتری به اخبار، تحلیل‌ها و خروجی رسانه‌های لندن‌نشین دارند و آن را مرجع خبر قرار می‌دهند. این ناشی از چیست؟ ناشی از این است که صداوسیما توجهی به گفت‌وگوی حضور و تفکیک طیف خاص سیاسی و برخی چهره‌های خاص اجازه سیاسی و استادان دانشگاه نمی‌توانند در رسانه ملی حرف خود

کرده است.نوریوز دیروز در مطلبی با انتقاد از رفتار یک‌جانبه‌گرایانه در توقیف گذرنامه برخی چهره‌های هنری و ورزشی که پس از فوت مرحومه مهسا امینی با اظهار تأسف و بیان برخی انتقادات نسبت به وقوع این رخداد غم‌انگیز واکنش نشان دادند، نوشته است: «این نشانگر آن است که توجه برخی مسئولان در این حوزه، یک‌جانبه بوده و میان تحریک احساسات مردم با همراهی نکردن و سکوت و حتی تلاش در جهت ایجاد وفاق ملی بدون جانب‌داری از اغتشاشات، تفاوت ماهوی قائل نشده‌اند. چنین رویکردی که دارای ملاحظات حقوقی نیز هست، اگر با هدف اعمال ممنوع‌الخروجی بوده، باید براساس ضوابط قضائی خاص انجام شود». شاید این اولین بار است که یک رسانه آن‌هم نزدیک به شورای امنیت ملی منتقد رفتارهای فراقانونی نهادهای خاص شده و خواستار اصلاح چنین برخوردهای حاشیه‌ساز شده است. این رسانه در یک توییت انتقادآمیز هم به صداوسیما تاخته و نوشته است: «گرچه صداوسیما با برنامه شیوه شکل و محتوای امیدوارکننده‌ای را در برنامه‌های گفت‌وگویمحور در معرض نگاه مخاطبان قرار داد، اما پرتاز دیشب تریا برای فردی که با اظهارات غیرکارشناسی و بعضا

نشان دهند که طالب گفت‌وگو هستند. در عمل نشان‌دادن هم این است که صداوسیما این رفتار یک‌سویه، یک‌جانبه و تحکمی خود را کنار بگذارد و اجازه دهد تمام چهره‌های سیاسی، تمام احزاب، استادان دانشگاه و… از حق مساوی و برابر برای حضور در رسانه ملی در راستای بیان دغدغه‌ها و مطالبات مردم استفاده کنند. در کنار آن روزنامه‌نگاران از آزادی عمل لازم برای انتشار اخبار برخوردار باشند؛ رسانه‌های بخش خصوصی و آزاد با فشار مواجه نباشند. اینترنت آزاد و پرسرعت در کنار فراهم‌کردن شرایط برای حضور پلتفرم‌ها با هدف ایجاد بستر تعاملی و دوسویه باید شکل بگیرد. اگر مجموعه این اتفاقات روی دهد، تازه بسترهای اولیه برای گفت‌وگو و گفت‌مان‌سازی شکل خواهد گرفت. در اینجا موضع‌گیری واضح‌تر از خبر رئیس قوه قضائیه را در خصوص آمادگی برای گفت‌وگو با مردم و جریان‌های سیاسی قابل تقدیر می‌دانم. به هر حال در این سه هفته اعتراض مردمی که متأسفانه برخی چهره‌های سیاسی، احزاب و رسانه‌ها و به‌خصوص صداوسیما عملکردی نامیدکننده داشتند، این گفته‌ها قدری امید را به جامعه بازگرداند. درحالی‌که جا داشت روسای نهادهای انتخابی یعنی مجلس و ریاست‌جمهوری به سمت گفت‌وگو و تعامل با مردم کام بردارند، ما شاهد بودیم که رئیس قوه قضائیه از ضرورت گفت‌وگو سخن گفته است که جای دفاع دارد؛ چون در همین شرایط حساس واقعا دعوت به گفت‌وگو و آرامش یک ارزش است.

**◆ در مقابل رفتار صداوسیما که به آن اشاره کردید، به‌تازگی شورای عالی انقلاب فرهنگی از تغییر سیاست‌ها و آمادگی برای ایجاد بستر قانونی در راستای به رسمیت شناختن اعتراضات گفت. آیا ما شاهد یک تعارض دیدگاه در داخل کشور درباره گفت‌وگو و گفت‌مان‌سازی هستیم که در یک سو رسانه ملی توجهی به آن ندارد و برخی نهادها و مراکز سعی دارند بستر گفت‌وگو و گفت‌مان را با مردم فراهم کنند؟**

در پاسخ به این سؤال مهم شما باید به این واقعیت اشاره کرد که ما با دو طیف ضد گفت‌وگو مواجهیم که عملا مانند لبه‌های یک قیچی در جهت نابودی بستر برای گفت‌وگو عمل می‌کنند. در یک طرف جریان‌های معاند، اپوزیسیون، برانداز و رسانه‌های آنها در خارج از کشور فعال هستند که به‌هیچ‌عنوان تمایلی ندارند بستر برای گفت‌وگو و تعامل بین حکمرانان، مقامات و مسئولان جمهوری اسلامی با مردم شکل بگیرد. در این سو متأسفانه در داخل هم برخی جریان‌های رسانه‌ای از جمله خود صداوسیما و نیز برخی احزاب، شخصیت‌ها، رسانه‌های ارگان‌ها هم عملکردی مانند اپوزیسیون‌های خارج‌نشین دارند و تلاش و تمایلی برای گفت‌وگو و گفت‌مان‌سازی با مردم ندارند و حتی با ادبیات، الفاظ و تهدیدهای خود هرگونه بستری را برای گفت‌وگو با مردم از بین می‌برند. وقتی این دو جریان ضد گفت‌وگو با عملکردی مشابه سعی دارند با دوقطبی‌سازی، مردم را در برابر مردم قرار دهند، طبیعتا نمی‌توان به گفت‌وگو و گفت‌مان‌سازی در کشور امید داشت. تا زمانی‌که این دو طیف فعال هستند، هرگونه بستری برای گفت‌وگو و گفت‌مان‌سازی با برجسب‌های مختلف مواجه می‌شود. در خارج از کشور جریان معاند، برانداز و اپوزیسیون آن را به عبارت دیگری تعبیر می‌کنند و در داخل هم جریان‌ها و رسانه‌های رادیکال برداشت دیگری دارند. وقتی براندازان خارج‌نشین، اصلاح‌طلبان را ماله‌کش و دیوکی می‌نامند و توهین‌های اسلامی می‌دانند و در مقابل آن رسانه‌هایی مانند کیهان هم از ضرورت محاکمه کسانی مانند خاتمی و ظریف به دلیل موضع‌گیری نکردن در اعتراضات می‌گویند، حکایت از آن دارد که دو طرف ضد گفت‌وگو هستند؛ درحالی‌که باز هم تکرار می‌کنم دعوت به گفت‌وگو و آرامش در جامعه ضد ارزش نیست؛ بلکه یک ارزش است؛ اما متأسفانه این دو طیف سعی دارند آن را به یک ضد ارزش تبدیل کنند. برای مثال زمانی‌که در کلاب‌هاوس آخرین مناظره مصطفی تاجزاده با مراد ویسی شکل گرفت، آقای تاجزاده باز هم اعتقاد داشت جمهوری اسلامی ایران با تمام تقد‌های می‌تواند با اصلاحات ساختاری به سمت گفت‌وگو و تعامل با مردم پیش برود؛ اما در مقابل مراد ویسی اعتقاد داشت از این سیستم اصلاح‌پذیر نیست؛ فردای آن مناظره، آقای تاجزاده بازداشت می‌شود.

کذب شعور مخاطب را به سخره گرفت نشان داد که تشخیص منافع ملی در رسانه ملی همچنان یک آرزوست». اشاره نوریوز به حضور علی اکبر رائفی‌پور در برنامه تریا است و سخنانی که واکنش منفی بسیاری داشت، به‌خصوص وقتی فردی از تریون صداوسیما به انتشار اخبار کذب می‌پردازد و باعث تشویش اذهان عمومی می‌شود، حداقل انتظار برخورد قضائی است که با این حمله نوریوزی می‌توان مطمئن شد قرار نیست حاکمیت دیگر تبعات تدروی‌های بی‌حساب و کتاب افراد این چنینی «که معمولا بر پایه سراج اینترنتی اطلاعاتی به دست می‌آورند و مرجع علمی خاصی ندارند و فقط در حاشیه‌سازی تبحر دارند» را بر گردن بگیرد. دراین‌بین عاالله مهاجرانی هم با بیان خاطره‌ای نکته‌ظریفی را اشاره کرده که مخاطب آن همین طیف منتقد اصولگرایی به رفتار تندروهاست، او نوشته است: «سال ۱۳۶۰ برای شرکت در اجلاس مجلس ملی فلسطین به الجزایر رفته بودم. همه بودند! عرفات و ابوجهاد و ابویاد و محمود درویش و خالد فاهوم و… فسی در ویلای ابویاد تا دیر وقت با او گفت‌وگو می‌کردیم. گفت، در انتقاد ایران مراقب افراطی‌ها باشید. ما تجربه کردیم. افراطی‌ها یا خاندان یا احمق!».

### اخبار برگزیده

درخواست رئیس قوه قضائیه از علمای اهل سنت:

### کمک کنید، صحبت کنیم وفکری بکنیم

رئیس قوه قضائیه از علمای اهل سنت درخواست کرد که «کمک کنید، صحبت کنیم و فکری بکنیم که بینیم چگونه می‌شود از به‌وجودآمدن اختلافات جلوگیری کرد». این دومین بار است که در هفته جاری رئیس دستگاه قضا از گفت‌وگو صحبت می‌کند و از بازشدن باب همفکری و صحبت برای رفع اختلاف‌ها و ابهامات استقبال می‌کند. به گزارش مرکز رسانه قوه قضائیه، حجت‌الاسلام محسنی‌اژه‌ای، دیروز هم‌زمان با هفته وحدت در دیدار با علمای اهل سنت، ضمن تبریک و تهنیت میلاد نبی مکرم اسلام حضرت محمد مصطفی(ص) و امام جعفر صادق (ع) اظهار کرد: در قرآن کریم و کلام پیامبر عظیم‌الشان اسلام و فرمایشات انبیا و اوصیا و اصحاب خاص بر مقوله وحدت و برادری و همزیستی مسالمت‌آمیز مسلمین و دوری و اجتناب آنها از افتراق و نزاع و نِقار بسیار تاکید شده است. محسنی‌اژه‌ای با بیان اینکه جوانان ونوجوانان موسوم به دهه هشتادی، امروز بعضا بیشتر از جوانان و نوجوانان نسل اول انقلاب، معتقد به آرمان‌ها و ارزش‌ها هستند، گفت: نباید این تصور را داشت که جوانان و نوجوانان ما به‌واسطه شیفت‌های دشمن، نفوذ فضای مجازی و برخی کم‌کاری‌های ما مسئولین، از دست رفته‌اند؛ بلکه نسل جوان ما امروز بهتر و مهجرتز از نسل اول انقلاب در مسیر ارزش‌ها و آرمان‌ها قرار دارند؛ البته در این زمینه با توجه به عمق و شدت تلاش دشمنان، همه صاحبان تریون، افراد دارای نفوذ کلام و مسئولین بخش‌های ذی‌ربط در نقاط مختلف کشور، باید تلاش بیشتری به خرج دهند. رئیس قوه قضائیه در ادامه این جلسه به تشریح محورها و زمینه‌های ضروری جهت جلب مشارکت فعالانه علمای اهل سنت پرداخت و در همین راستا تاکید کرد که برای تحقق این مهم باید سازوکارهای عملیاتی طراحی شود و به صرف توصیه اکتفا نکرد. «همفکری و مشارکت فعال در برقراری هرچه بیشتر امنیت در کشور»، این نخستین محوری بود که رئیس دستگاه قضا برای جلب مشارکت علما و بزرگان اهل سنت بر آن تاکید کرد و در همین راستا گفت: امروز ممکن است دشمن مجتدای برخی اخمدون‌کردن فرمیت‌کننده کشور اسلامی ما شوند کند؛ بنابراین ضروری است، همگان در راستای حفظ و ارتقای امنیت ایران اسلامی مجاهدت کنیم و راه‌ها و روش‌هایی را که دشمن با تمسک به آن درصدد محدودش‌کردن امنیت میهن ماست بشناسیم و آنها را مسدود گردانیم و با مساعدت و معاضدت بکدیگر به تقویت روش‌های ارتقای امنیت بپردازیم. رئیس عدلیه همچنین تصریح کرد: برخی محکومان نیز به‌واسطه انحرافات فکری در راستای به‌مخاطره‌انداختن امنیت گام برداشتند؛ در قبال این قبیل محکومان نیز می‌توان از ظرفیت علما و بزرگان اهل سنت جهت هدایت آنها بهره گرفت و ما در قوه قضائیه نسبت‌ها از این ظرفیت و مشارکت استقبال می‌کنیم بلکه زمینه‌ها و امکانات آن را نیز فراهم می‌آوریم. محسنی‌اژه‌ای در ادامه با اشاره به موضوع دستگیرشدگان اغتشاشات اخیر نیز بیان کرد: افرادی که در جریان اغتشاشات اخیر، در زمره عناصر کم‌توانک‌کنجنده می‌شوند شامل سه مرحله ارفاق می‌گردند؛ در مرحله نخست با تمهیدات اندیشیده شده و تبدیل قرارها، این افراد تا زمان برگزاری دادگاه آزاد می‌گردند؛ در مرحله دوم، چنانچه در مدت آزادی و انتظار برای برگزاری دادگاه، از عمل ارتكابی خود پشیمان و متنبه شده باشند و در اعمال و کردار، این‌را ثابت کنند در مرحله صدور رای مشمول ارفاق می‌گردند، در مرحله سوم نیز پس از صدور رای و محکومیت، چنانچه رفتار پسندیده از خود بروز دهند و از عدم ارتکاب مجدد جرم از ناحیه آنها اطمینان حاصل شود، با تأسیسات ارفاقی قانونی مواجه می‌شوند. رئیس قوه قضائیه در همین رابطه خطاب به علما و بزرگان اهل سنت گفت: از مشارکت فعالانه شما برای متنبه‌ساختن عناصر کم‌تانه اغتشاشات اخیر و بازگرداندن آنها به کانون خانواده‌های‌شان استقبال می‌کنیم و بدایتید که این موضوع، خواست نظام است.

اما به سؤالی درباره فراتر رفته است؛ در روزهای گذشته اعتراضاتی در شهرهای کشور صورت گرفت و تعداد زیادی از افراد از گروه‌های مختلف روزنامه‌نگاران، فعالان حوزه اینترنت، فعالیت سیاسی و مدنی و مردم بازداشت‌شده و چندین نفر جان خود را از دست دادند. البته آمار دقیقی از تعداد بازداشت‌شدگان و کسانی که در این حوادث جان خود را از دست دادند، در دسترس نیست و هیچ مرجع یا نهاد رسمی‌ای آماری منتشر نکرده است. ستایشی هم به همان سیاق در دهمین نشست خبری خود بعد از تکیه بر سندی سخنگویی دستگاه قضائی، از ارائه آمار درباره تعداد بازداشتی‌ها و جان‌باختگان خودداری کرد و تنها به اعلام این آمار که «از میان بازداشتی‌ها ۷۰۰ هزار و ۷۰۰ نفر» بلاقید در مرحله تحقیقات آزاد شدند» و «در یک مرحله در تهران حدود ۴۰۰ نفر از دستگیرشدگان تعیین تکلیف و آزاد شدند» بسنده و البته تاکید کرد «مقتحیریم بگوئیم بازداشتی‌های ما حداقلی است». او اگرچه در بخشی از سخنانش گفت «قائل به دسته‌بندی متهمان در این زمینه هستیم و از کسانی که عناصر اصلی هستند و زمینه‌ساز بودند، نمی‌گذریم، ولی کسانی که احساسی بودند و هیجانی عمل کردند و با تحریک صورت‌گرفته وارد میدان شدند و مرتکب قتل و جنایت شدند، قطعا با رأفت اسلامی با آنها برخورد خواهد شد»، تاکید کرد: «با کسانی که محرک اصلی بودند، با قطعیت برخورد می‌شود و تصمیمات دستگاه قضائی در این زمینه بازدارنده است». مسعود ستایشی در این نشست خبری

سخنگوی دستگاه قضائی در پاسخ به پرسش «شرق»

درباره آمار بازداشتی‌ها و جان‌باختگان حوادث اخیر زاهدان گفت:

## آمار دقیقی در دسترس نیست

داشت، با بیان این جمله که «صفحه شفاف و روشن است و جایی برای ابهام نیست» رد کرد؛ اشاره ستایشی به گزارشی است که چند روز قبل سازمان پزشکی قانونی ارائه کرده است و در آن علت مرگ مهسا امینی را «بیماری زمینه‌ای» دانسته و تاکید شده بود «فوت نام‌برده ناشی از اصابت ضربه به سر و اعضا و عناصر حیاتی بدن نبوده است». گزارشی که اگرچه از سوی خانواده مهسا (ژینا) امینی و وکیل آنها و البته بخشی از افکار عمومی شفاف قبول قرار نگرفت، اما حالا از سوی سخنگوی دستگاه قضا با بیان اینکه «گزارش شفاف و روشن و در کمال صداقت» بوده، مورد تایید قرار می‌گیرد و آن را به نوعی فصل‌الخطاب مجاری مرگ مهسا امینی می‌دانند.ماجرا اما در هفته‌های گذشته